

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت  
(مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه بخش چوار)

(صص: ۲۷-۵۵)

محمد حسین اسدی\*

امید علی‌احمدی\*\*

نادر بازاریار\*\*\*

چکیده

این پژوهش در راستای بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار از توابع شهرستان ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ صورت گرفته است. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه‌ی آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه بخش چوار (شهرستان ایلام) به تعداد ۴۶۰ نفر تشکیل داده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی- طبقه‌ای و فرمول کوکران تعداد ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته استفاده شد. روایی آن از طریق نظر خبرگان و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ( $\alpha = 0.78$ ) مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری ضرایب همبستگی پیرسون، اسپیرمن، دو رشته‌ای نقطه‌ای و آزمون رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که در بحث ابعاد خشونت، وجود انواع خشونت به میزان کل ۳/۴۳ درصد مورد تأیید قرار گرفته‌اند. نتایج و یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای قشر اجتماعی، شهرنشینی، ارتباط با همسالان بزهکار، برچسب خشونت خوردن و پیوند اجتماعی مدرسه با خشونت دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معناداری دارند.

کلمات کلیدی: خشونت جسمی، خشونت جنسی، خشونت کلامی، خشونت عاطفی، عوامل اجتماعی

## مقدمه

با گسترش روابط و تعاملات انسانی و به دنبال آن پیچیده‌تر شدن جوامع؛ همه روزه شاهد رخ دادن مسائل و پدیده‌های اجتماعی در سطح جوامع هستیم. انسان‌ها در کشاکش زمان و در فراز و نشیب تاریخ از این مسائل رنج برده و همواره در جستجوی یافتن عوامل اثرگذار در پیدایش آن‌ها بوده‌اند تا بتوانند با کنترل و کاهش زمینه‌های ایجاد آن‌ها از رویارویی با این مسائل و موضوع‌ها در امان باشند. در میان این مسائل اجتماعی، پدیده‌ی گرایش به خشونت قابلیت تأمل بیشتری دارد؛ چرا که همه‌ی اجزای جامعه به گونه‌ای درگیر آن هستند و می‌تواند باعث بی‌نظمی و ناامنی شود. پدیده‌ی خشونت همانند سایر پدیده‌های اجتماعی دیگر تحت تأثیر عوامل مختلفی روی می‌دهد و به سختی می‌توان آن را تنها به یک عامل محدود کرد. به همین سبب، برای ریشه‌یابی علل آن بحث و بررسی فراوانی می‌طلبد. عدم توجه به این مسأله سبب گرایش همه روزه‌ی افراد به ویژه جوانان به خشونت شده و به دنبال آن خطراتی است که متوجه این گروه از افراد می‌شود. آسیب‌های ناشی از خشونت بسته به نوع آن گاهی جبران‌ناپذیرند و در بین دانش‌آموزان ممکن است به یک معضل دائمی تبدیل شوند. این پژوهش می‌کوشد با مطالعه‌ی جامعه‌شناختی، گامی مؤثر در راه شناخت عوامل اثرگذار بر گرایش به خشونت و یافتن راهکارهای اثر بخش و کارا برای رفع این مسأله از مدارس به عنوان اصلی‌ترین کانون رشد علمی کشور بردارد.

## بیان مسأله

هر جامعه توسط برخی مسائل اجتماعی تهدید می‌شود. این مسائل همواره بخش اعظمی از وقت و انرژی جوامعی را که درگیر خود کرده‌اند، به خود معطوف می‌کنند؛ به نحوی که نتایج آن بیشتر بخش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله‌ی این مسائل خشونت است؛ خشونت به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی آثار نامطلوبی چه در زمان وقوع و چه در بلندمدت بر روح و جسم افراد باقی می‌گذارد. خشونت رفتاری است که در راستای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه‌ی آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و شتم تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). خشونت به چند نوع خشونت روانی، عاطفی، کلامی، جنسی و سیاسی تقسیم می‌شود (ساروخانی و صفایی، ۱۳۸۴: ۸۹). در برخی از تحقیقات به دو نوع فیزیکی ملایم و فیزیکی شدید تقسیم‌بندی شده است (Lockwood, ۱۹۹۷). این پدیده‌ی اجتماعی در مدرسه و در بین دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این گروه از افراد تحت تعلیم نهادهای تربیتی به ویژه آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند که دارای برنامه و مواد درسی با عناوین نوع‌دوستی و گرایش‌های انسان‌دوستانه است. در برخی کشورها هم‌چنین، برنامه‌های تربیتی و دینی برای رعایت حقوق دیگران و احترام به هم نوع در کنار سایر دروس

قرار داده شده است. در سال ۲۰۰۶ میلادی دبیرکل سازمان ملل، پژوهشگران را درباره‌ی خشونت دانش آموزی به تحقیق و مطالعه دعوت کرد. وی تصریح کرد تمام کودکان باید قادر به یادگیری و آموزش به دور از خشونت باشند، مدارس باید به محلی ایمن تبدیل شوند و دوست‌دار دانش آموزان باشند (۲۰۰۸: ۵, Lynch, Zolotor, Gogvadze, Saralidze).

در تحقیقات انجام شده، در مورد گرایش به خشونت دانش‌آموزان به صورت پراکنده و بیشتر بر خشونتی که بر دانش‌آموزان اعمال می‌شود، تأکید شده است؛ یعنی در این تحقیقات دانش‌آموز تنها به عنوان قربانی خشونت مورد مطالعه قرار گرفته است و این خلاء احساس می‌شود که دانش‌آموزان هم باید به عنوان عامل و بانی خشونت مطالعه شوند. به زعم بازرگان (۱۳۷۹) در مدرسه همواره دانش‌آموزانی هستند که بنا بر دلایل متعدد مانند قدرت‌طلبی، خشونت و پرخاشگری، عدم همدلی و نداشتن مهارت در درک احساس دیگران با رفتار نامطلوب خود دانش‌آموزان ضعیف‌تر از نظر جسمانی یا ویژگی‌های شخصیتی را تحت سلطه خود در می‌آورند و با رفتارهایی مانند تحقیر کردن، هول دادن، کتک زدن و دعوکردن، آنان را وادار به پیروی از خواسته‌های خود می‌کنند. پدیده‌ی خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار (شهرستان ایلام) به دلیل مسائل و مشکلات فراوانی که همواره به همراه داشته است؛ موضوعی حساس و دغدغه‌ای برای مردم و مسئولان ذی‌ربط بوده است. گرایش این دانش‌آموزان به خشونت بدنی و غیر بدنی سبب زیان دیگر دانش‌آموزان و دل‌مشغولی، اضطراب و نگرانی خانواده‌ها شده است که با وجود برنامه‌های اصلاحی و بازدارنده باز هم این نوع انحرافات در میان دانش‌آموزان بخش چوار دیده می‌شود که گاه سبب مختل شدن فرایند آموزش و تدریس معلمان در مدارس می‌گردد. برخی از دانش‌آموزان به دلیل مسائل و مشکلات رفتاری، عدم اعتماد به نفس و دشواری ارتباط برقرار کردن با دیگران، از حل این موارد عاجز می‌مانند و چون اوضاع بر وفق مراد آن‌ها نیست، به خشونت رو می‌آورند (۲۰۱۱: ۸, Bose). نابسامانی و آشفتگی‌های اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی این بخش باشد. به همین روی، مبارزه با خشونت و نگه‌داشت آرامش روانی دانش‌آموزان به همه‌ی دست‌اندرکاران، مدیران و معلمان مدرسه و اولیای دانش‌آموزان مربوط می‌شود و تعهد و شناخت همه را می‌طلبد. اجتماع به عنوان کانون اصلی و اثرگذار بر باورها، نگرش‌ها و گرایش‌های افراد است که در این پژوهش متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر خشونت بر اساس چارچوب نظری انتخاب، و مورد بررسی قرار می‌گیرند. حال، به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی این سؤال مطرح می‌شود که عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار کدامند؟ علت‌یابی این پدیده سبب تصمیم‌گیری‌هایی در راستای کنترل خشونت شده و هم‌چنین، از وارد شدن آسیب جدی به آنان، خانواده‌های‌شان و جامعه ممانعت به عمل خواهد آمد.

### اهداف پژوهش

با عنایت به برخی مسائل اجتماعی<sup>۱</sup> که دانش‌آموزان به عنوان سرمایه‌های یک کشور با آن‌ها روبه‌رو هستند و همچنین، توجه به این مسأله‌ی مهم که خشونت سلامت روحی، جسمی، موقعیت اجتماعی و به گونه‌ای حال و آینده‌ی آنان را به شدت تحت شعاع قرار می‌دهد؛ این پژوهش در راه کشف علل اجتماعی گرایش به خشونت دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار صورت می‌گیرد و برای خود اهدافی متصور است که به قرار زیر است:

**اهداف علمی:** بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار؛

۱. تعیین و تبیین ارتباط عوامل اجتماعی با گرایش به خشونت در بین دانش‌آموزان؛

۲. شناسایی رایج‌ترین نوع خشونت در بین دانش‌آموزان؛

۳. بررسی و مقایسه‌ی میزان گرایش به خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر.

**اهداف کاربردی:** نتیجه‌ی این پژوهش می‌تواند به عنوان راهبردهایی مؤثر در سازمان‌های حمایتی جوانان، آموزش و پرورش و مراکز وابسته به آن، نهادهای آموزشی و پژوهشی، کانون‌های اصلاح و تربیت و سایر ارگان‌های دولتی و مراکز مستقل که به گونه‌ای با مقوله‌ی تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان در ارتباط هستند؛ مورد استفاده قرار گیرد.

### پیشینه‌ی پژوهش

در مورد خشونت و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار خشونت‌آمیز، پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج انجام شده که به طور اجمالی در زیر به آنها اشاره شده است.

نبوی، ملتفت و براتیان (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه پرداختند. روش این تحقیق پیمایشی بوده و از تکنیک پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق تعداد ۳۸۶ نفر دانش‌آموز است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج نشان دادند که متغیرهای تنبیه در مدرسه و از خود بیگانگی از مهم‌ترین متغیرها در پیش‌بینی گرایش به رفتار وندالیستی و عمل به آن رفتارها بودند.

احمدی، نوری و موسوی (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با میزان بزهکاری جوانان در شهرستان آبادیه پرداختند. روش اجرای این تحقیق پیمایشی بوده و با استفاده از پرسش‌نامه به جمع‌آوری اطلاعات از بین ۴۹۹ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع دبیرستان پرداخته است.

یافته‌های این تحقیق نشان داده‌اند که متغیرهای وابستگی به دوستان، مذهبی بودن و استفاده از رسانه‌های جمعی به ترتیب بیشترین رابطه را با متغیرهای بزهکاری جوانان داشته‌اند. علمی، تیغ‌زن و باقری (۱۳۸۷) در تحقیقی به تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی شهر عجب‌شیر پرداختند. این تحقیق به صورت پیمایشی و با کمک ابزار پرسش‌نامه روی ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی این شهرستان و بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک اجرا شده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان‌داد که متغیرهای عدم وابستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، داشتن دوستان بزهکار، عدم پای‌بندی به دستورات اخلاقی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت گروهی در تبیین میزان خشونت دانش‌آموزان سهم عمده‌ای داشته‌اند.

لاک وود (۱۹۹۷) در تحقیقی با عنوان خشونت در بین دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان، به تحلیل و علت‌یابی پدیده‌ی خشونت در بین دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر میدوست پرداخته است. او از بین ۷۵۰ دانش‌آموز به شیوه تصادفی ۱۱۰ نفر را انتخاب و با آنان مصاحبه کرده است. هدف از اجرای این تحقیق؛ ایجاد و تقویت برنامه‌های پیشگیری از خشونت، و حتی گنجاندن آن در برنامه درسی مدارس بوده است. در تطبیق یافته‌ها با برنامه‌های پیشگیری از خشونت، کاهش عوامل شروع درگیری‌های خشونت‌آمیز به عنوان مؤثرترین عامل شناخته شده است. تاچل (۲۰۰۱) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مدارس از دیدگاه مشاوران حرفه‌ای مدارس ایالت ویسکانسین<sup>۱</sup> پرداخته است. با سنجش در بین ۶۱۷ مدرسه ۵۱ درصد از مشاوران واجد شرایط انتخاب شده‌اند. این تحقیق به صورت پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته در بین ۳۱۴ مشاور به اجرا درآمده است. مشاوران اطلاعات خود را از ۳۰۳ دانش‌آموز دبیرستانی کسب کرده‌اند. سپس، داده‌های به دست آمده؛ مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق در مرحله‌ی اول عامل رسانه (رادیو، تلویزیون، بازی رایانه‌ای)، و در مرحله‌ی دوم عدم مشارکت والدین در زندگی و کارهای دانش‌آموزان، گسیختگی نظام خانواده، بیزاری از مدرسه و خانه، کم‌حوصلگی و پایین بودن آستانه‌ی تحمل و تماشاگر رفتار خشونت‌آمیز بودن را به عنوان عوامل مؤثر در خشونت دانش‌آموزان دبیرستانی معرفی کرده‌اند.

آمرمولر (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان خشونت در مدارس اروپایی به بررسی این پدیده در مدارس یازده کشور اروپایی با محوریت دانش‌آموزان کلاس چهارم و هشتم انگلیس پرداخته است. برای سنجش میزان تأثیر خشونت بر موفقیت تحصیلی از نتایج آزمون استعداد تحصیلی ریاضی (TIMSS)<sup>۲</sup> استفاده شده است

1- Wisconsin

2- Trends in international mathematics and science study

هم‌چنین، برای سنجش تأثیر خشونت بر موفقیت تحصیلی در مدارس انگلیس علاوه بر آزمون استعداد تحصیلی ریاضی از آزمون استعداد تحصیلی کودکان انگلیس (NCDS)<sup>۱</sup> استفاده شده است. یافته‌ی اصلی تحقیق این است که قلدری، سرقت و مورد اذیت و آزار قرار گرفتن، در دوران کودکی بر کارایی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد.

فاجز (۲۰۰۸) در تحقیقی بر ویژگی‌های اجتماعی دانش‌آموزان باواریا<sup>۲</sup> (آلمان) به عنوان دلایل بالقوه‌ی پیدایش خشونت تمرکز کرده است. این تحقیق به صورت طولی در سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴ به اجرا درآمده است. حجم نمونه ۴ هزار نفر برآورد شده که از بین آن‌ها ۱۲ هزار و ۳۰۰ نفر انتخاب شده‌اند. دانش‌آموزان از طریق پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته‌اند. سؤالات طی این سه سال با هم تفاوت‌هایی داشته‌اند. این تحقیق مدرسه را به عنوان عامل کلیدی اجتماعی شدن، جایگاه خوش‌رفتاری و ارزش‌های انسانی و راهکار مبارزه با برخوردهای عامه‌ی مردم معرفی کرده است. اگر این مکان مستعد خشونت و رفتارهای انحرافی باشد؛ این نگرانی وجود دارد که کودکان و جوانان در محیطی قرار بگیرند که معیارهای انحرافی در آن رواج دارد. با گذشت زمان انحراف شدت می‌یابد و باعث از دست رفتن اهداف مدرسه در مورد اجتماعی شدن و آموزش نسل جوان می‌شود.

سلبیش و همکاران (۲۰۱۲) در «بررسی خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی مالاتیا» به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت پرداختند. هدف این تحقیق تعیین میزان شیوع خشونت در مدارس مالاتیا (ترکیه) و شناسایی عوامل به وجود آورنده‌ی آن است. در مطالعه‌ی مقطعی ۱۱۷۵ دانش‌آموز پایه‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ مدارس استان مالاتیا با استفاده از پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته‌اند. پرسش‌نامه براساس مقیاس مورد استفاده در آمریکا (YRBS) بوده است. یافته‌های تحقیق حاکی است که بین متغیرهای عضویت در گروه‌های خلافکار، قرار گرفتن در معرض خشونت، درآمد خانواده، پایه‌ی تحصیلی و نوع مدرسه، با خشونت دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

با توجه به پیشینه‌ی پژوهشی داخلی و خارجی می‌توان اذعان داشت که عوامل متعددی اعم از فردی و اجتماعی بر گرایش افراد به خشونت تأثیر می‌گذارند. در این میان عواملی چون وضعیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، بیگانگی، فقر فرهنگی، مهاجرت، دوری و نزدیکی به مرکز استان و ... از جمله مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های گرایش افراد به خشونت می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بخش جوار را شناسایی و مورد مطالعه قرار دهد.

## چارچوب نظری پژوهش

صاحب‌نظران طی قرون گذشته آثار و نظریات کارا و مفیدی در زمینه‌ی تبیین اعمال کچروانه و رفتارهای انحرافی ارائه کرده‌اند که هر کدام بنا به شرایط و اوضاع جامعه در همه‌ی ابعاد می‌تواند در تشریح علل و هدایت نظری مسائل اجتماعی اثر بخش باشند.

همبستگی دورکیم: از نگاه دورکیم جمعیت‌هایی که درجه‌ی توافق‌شان بالاست، در مقایسه با گروه‌هایی که توافق گروهی‌شان ضعیف است؛ رفتار انحرافی کمتری دارند. او تفاوت میان توافق ارزشی و یکپارچگی ساختاری را با همبستگی مکانیکی و ارگانیکی بیان می‌کند. همبستگی مکانیکی در جایی رواج دارد که حداقل تفاوت‌های فردی وجود داشته باشد و اعضای جامعه از نظر دلبستگی به خیر همگانی بسیار همسان باشند. برعکس، همبستگی ارگانیکی نه از همانندی افراد جامعه، بلکه از تفاوت‌های‌شان پرورش می‌یابد، این‌گونه همبستگی فرآورده‌ی تقسیم کار است. هرچه کارکردهای یک جامعه تفاوت بیشتری یابند؛ تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۰). دورکیم برحسب توافق و نوع ساختار جوامع، آن‌ها را به دو نوع تقسیم کرده‌است که در نوع مکانیک بالاترین میزان تشابه و ساده‌ترین نوع تقسیم کار را شاهدیم؛ اما در همبستگی ارگانیکی، تفاوت بیشتر و تقسیم کار پیچیده‌تری وجود دارد. از این نوع جامعه با عنوان شهری یاد می‌شود که فراوانی نقش‌ها و روابط بین نقشی از ویژگی‌های آن است.

دورکیم در تقسیم کار، نخست شکل کامل همبستگی اندام‌وار را لحاظ می‌کند تا جایی که آنومی و خودکشی را به مثابه‌ی اشکال آسیب‌شناختی تقسیم کار می‌انگارد (ژیرو، ۱۳۸۴: ۷۲). بر این اساس، تقسیم کار عالی‌ترین شکل همبستگی ارگانیک است که برخی آسیب‌ها را در زندگی شهری به همراه دارد.

زمانی تقسیم کار منجر به انحرافات اجتماعی می‌شود که تقسیم کار نابسامان صورت گیرد که این موضوع تضاد طبقاتی را به دنبال دارد و محصول تحول ناقص از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی است. هم‌چنین، اگر تقسیم کار اجباری صورت گیرد؛ بدین ترتیب ممکن است افراد بر شغل‌هایی گمارده شوند که متناسب استعداد طبیعی و توانایی آن‌ها نیست (کرایب، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

گرایش به اعمال انحرافی ریشه در تقسیم کار نابهنجار در جوامع ارگانیک دارد. در جوامع ارگانیکی (شهری) به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و تکثر روابط، تقسیم کار صورت می‌گیرد که اگر بنا بر عواملی نابهنجار باشد؛ آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد انحرافات اجتماعی به شکل واقعیت اجتماعی در می‌آیند و به صورت یک ساختار اجتماعی و خارج از اراده‌ی فرد، او را وادار به انجام اعمال کچروانه می‌کند و به سوی انحرافات سوق می‌دهد. تقسیم کار حاصل روابط متقابل افراد در همبستگی ارگانیک یا به تعبیری زندگی شهری است که چون سبب جریان تولیدی انبوهی می‌شود، آثار ناخواسته و بدی به همراه دارد؛ به این شکل که

منابع و پاداش‌ها به گونه‌ای نابرابر در بین افراد توزیع می‌گردند و افرادی که بهره کمی برده‌اند برای احقاق حق خود مرتکب اعمال انحرافی از جمله خشونت و برخوردهای فیزیکی می‌شوند. **ناکامی منزلتی کوهن:** از نگاه کوهن، ناهمسازی اهداف و ابزار مورد نظر مرتن، به خودی خود به کج رفتاری نخواهد انجامید، جز این‌که متغیر مداخله‌گری چون سرخوردگی و ناکامی منزلتی به معادله اضافه شود. به بیان دیگر، کوهن فرض کرده است احتمال دارد اعضای طبقه ی پایین بیش از دیگران در فعالیت‌های نابهنجار مشارکت کنند زیرا جامعه نمی‌تواند به آن‌ها کمک کند تا به آرزوهای خود دست یابند. بنابراین، شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه‌ی ناکامی منزلتی موجب کج رفتاری می‌شود (کوهن، ۱۹۵۵؛ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۶).

به زعم کوهن افراد برای رسیدن به خواسته‌های خود که همان منزلت است و جامعه آن‌ها را وادار به دست‌یابی به آن کرده است، باید توانایی و منابعی در دست داشته‌باشند؛ اما این امکان برای همه فراهم نیست و همگی اقشار نمی‌توانند به یک اندازه از راه‌هایی که مورد پسند جامعه است به منزلت دل خواه خود برسند. بنابراین، سعی کرده از راه‌های انحرافی به این مهم دست یابند. این دانش‌آموزان خود را عاجز از رقابت با هم‌تایان می‌دانند که به راحتی با ارزش‌های طبقه متوسط کنار آمده‌اند. به همین دلیل، جریانی مخالف با آن‌چه که در مدرسه و طبقه‌ی متوسط جاری است، پیش می‌گیرند و خلاف کار بودن، معیار گروه پسند بودن و موفقیت است. هر چه در بزهکاری و انحراف بیشتر موفق باشند؛ مقبولیت ویژه‌ای برای آنان به همراه دارد. هر جامعه دارای طبقات متفاوتی است که در آن نوعی فرهنگ که از آن طبقه خاصی است رواج داده می‌شود. حال، گروهی می‌توانند با این فرهنگ رایج به آسانی سازگار شوند و خود را یکی بدانند و گروهی هم که از طبقات پایین جامعه‌اند، از این همسازی عاجز می‌مانند. در این حالت قشر اجتماعی آنان چون نمی‌تواند، با فرهنگ رایج هماهنگ شود، به سوی موازی کاری می‌رود و در خلاف آن چه هست، به سمت بزهکاری و گرایش به اعمال خشونت‌آمیز سوق می‌یابد.

**پیوند اقتراقی ساترلند:** به نظر ساترلند بیشتر رفتارهای بزهکارانه در درون گروه‌های نخستین به ویژه گروه‌های همالان فرا گرفته می‌شوند. این نظریه با دیدگاهی که معتقد است برخی تفاوت‌های روان‌شناختی وجود دارند که تبهکاران را از سایر مردم جدا می‌سازند؛ بسیار متفاوت است. این نظریه فعالیت‌های تبهکارانه را تا حد زیادی همانند فعالیت‌های تابع قانون به عنوان فعالیت‌های فرا گرفته شده، و به طور کلی، در جهت همان نیازها و ارزش‌ها در نظر می‌گیرد (گیلنز، ۱۳۸۷: ۱۵۹). از دیدگاه ساترلند در بین خرده فرهنگ‌های یک جامعه، گروهی، مروج اعمال غیر قانونی هستند. به همین دلیل، افراد وارد محیطی می‌شوند که در آن کارهای نامشروع اشاعه داده می‌شود و با هم نوعان خود رابطه برقرار می‌کنند؛ مفاهیم تبهکاری و ناهنجاری را می‌آموزند و از این طریق در جرگه‌ی بزهکاران و کسانی که رفتار انحرافی دارند، قرار می‌گیرند.



## چارچوب نظری پژوهش

صاحب‌نظران طی قرون گذشته آثار و نظریات کارا و مفیدی در زمینه‌ی تبیین اعمال کچروانه و رفتارهای انحرافی ارائه کرده‌اند که هر کدام بنا به شرایط و اوضاع جامعه در همه‌ی ابعاد می‌تواند در تشریح علل و هدایت نظری مسائل اجتماعی اثر بخش باشند.

همبستگی دورکیم: از نگاه دورکیم جمعیت‌هایی که درجه‌ی توافق‌شان بالاست، در مقایسه با گروه‌هایی که توافق گروهی‌شان ضعیف است؛ رفتار انحرافی کمتری دارند. او تفاوت میان توافق ارزشی و یکپارچگی ساختاری را با همبستگی مکانیکی و ارگانیکی بیان می‌کند. همبستگی مکانیکی در جایی رواج دارد که حداقل تفاوت‌های فردی وجود داشته باشد و اعضای جامعه از نظر دلبستگی به خیر همگانی بسیار همسان باشند. برعکس، همبستگی ارگانیکی نه از همانندی افراد جامعه، بلکه از تفاوت‌های‌شان پرورش می‌یابد، این‌گونه همبستگی فرآورده‌ی تقسیم کار است. هرچه کارکردهای یک جامعه تفاوت بیشتری یابند؛ تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۰). دورکیم برحسب توافق و نوع ساختار جوامع، آن‌ها را به دو نوع تقسیم کرده‌است که در نوع مکانیک بالاترین میزان تشابه و ساده‌ترین نوع تقسیم کار را شاهدیم؛ اما در همبستگی ارگانیکی، تفاوت بیشتر و تقسیم کار پیچیده‌تری وجود دارد. از این نوع جامعه با عنوان شهری یاد می‌شود که فراوانی نقش‌ها و روابط بین‌نقشی از ویژگی‌های آن است.

دورکیم در تقسیم کار، نخست شکل کامل همبستگی اندام‌وار را لحاظ می‌کند تا جایی که آنومی و خودکشی را به مثابه‌ی اشکال آسیب‌شناختی تقسیم کار می‌انگارد (ژیرو، ۱۳۸۴: ۷۲). بر این اساس، تقسیم کار عالی‌ترین شکل همبستگی ارگانیک است که برخی آسیب‌ها را در زندگی شهری به همراه دارد.

زمانی تقسیم کار منجر به انحرافات اجتماعی می‌شود که تقسیم کار نابسامان صورت گیرد که این موضوع تضاد طبقاتی را به دنبال دارد و محصول تحول ناقص از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی است. هم‌چنین، اگر تقسیم کار اجباری صورت گیرد؛ بدین ترتیب ممکن است افراد بر شغل‌هایی گمارده شوند که متناسب استعداد طبیعی و توانایی آن‌ها نیست (کرایب، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

گرایش به اعمال انحرافی ریشه در تقسیم کار نابهنجار در جوامع ارگانیک دارد. در جوامع ارگانیکی (شهری) به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و تکثر روابط، تقسیم کار صورت می‌گیرد که اگر بنا بر عواملی نابهنجار باشد؛ آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد انحرافات اجتماعی به شکل واقعیت اجتماعی در می‌آیند و به صورت یک ساختار اجتماعی و خارج از اراده‌ی فرد، او را وادار به انجام اعمال کچروانه می‌کند و به سوی انحرافات سوق می‌دهد. تقسیم کار حاصل روابط متقابل افراد در همبستگی ارگانیک یا به تعبیری زندگی شهری است که چون سبب جریان تولیدی انبوهی می‌شود، آثار ناخواسته و بدی به همراه دارد؛ به این شکل که

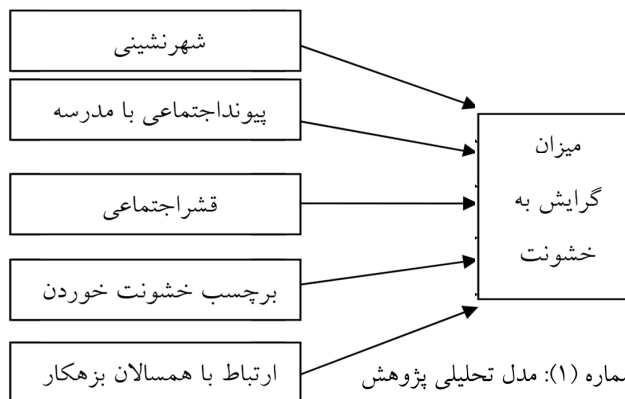
داشت. هنگامی که عملی انحرافی از فرد سر بزند و آن عمل از دیدگاه مردم زشت و ناپسند باشد به او القاب، عناوین و برچسب‌هایی را می‌زنند که در صورت تکرار عمل انحرافی همیشگی می‌شوند. حال ممکن است فردی که به او برچسب زده باشند، به علت دارا بودن این ویژگی همواره به سمت کج روی تمایل پیدا کند و گرفتن برچسب انحرافی عاملی مؤثر در گرایش به اعمال انحرافی شود.

باتوجه به مبانی نظری مطرح شده در این پژوهش، چارچوب نظری تحقیق به صورت تلفیقی بوده که در جدول شماره (۱) به آن‌ها اشاره شده است. دلیل انتخاب رویکرد تلفیقی این است که عوامل متعدد تأثیرگذار بر پدیده‌ی خشونت به طور خاص برگرفته از نظریه‌های مختلفی می‌باشند. بنابراین، در کنار هم قرار دادن این نظریه‌ها می‌تواند چارچوب و پیش‌تیبان محکمی جهت تبیین موضوع پژوهش در اختیار پژوهشگر قرار دهد.

جدول شماره (۱): چارچوب نظری پژوهش

ردیف	صاحب نظر	ایده	متغیر کشف شده
۱	دورکیم	همبستگی	شهرنشینی
۲	کوهن	ناکامی منزلتی	قشر اجتماعی
۳	ساترلند	پیوند افتراقی	ارتباط با همسالان بزهکار
۴	هیرشی	پیوند اجتماعی	پیوند اجتماعی با مدرسه
۵	بکر	برچسب زنی	برچسب خشونت خوردن

مدل تحلیلی پژوهش: مدل تحلیلی زیر منطبق و برگرفته از چارچوب نظری تحقیق، بیان کننده‌ی رابطه بین متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر خشونت دانش‌آموزان است.



#### فرضیه‌های پژوهش

۱. بین شهرنشینی و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؛
۲. بین قشر اجتماعی و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؛
۳. بین داشتن دوست بزهکار و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؛
۴. بین پیوند اجتماعی با مدرسه و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؛
۵. بین داشتن برچسب خشونت و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

**تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها:** تعاریف عملیاتی برای تبدیل مفاهیم و متغیرها به مقولات قابل سنجش مطرح می‌شوند که به تفکیک معرف، مقوله و سطح سنجش آن‌ها بیان شده است.

(۱) **خشونت جسمانی:** آسیب رساندن جزئی به دیگران، برخوردهای جسمانی خفیف و به شکل حادثه دعا و ضربه زدن با اشیاء مختلف را شامل می‌شود.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
<u>خشونت جسمانی</u>	لگد زدن؛ مو کشیدن؛ دست به یقه شدن؛ هل دادن؛ سیلی زدن؛ ضربه زدن با چوب یا چماق؛ استفاده از چاقو؛ پنجه بوکس...؛ بی اجازه برداشتن؛ تهدید کردن.	خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد	رتبه ای

حداکثر نمره‌ی خشونت جسمی:  $9 \times 5 = 45$

حداقل نمره‌ی خشونت جسمی:  $9 \times 1 = 9$

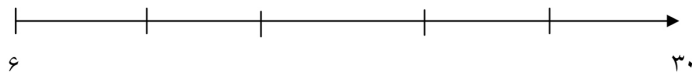


۲) **خشونت عاطفی:** شامل عمل صدمه زدن به روحیات و عواطف دیگران مانند: تخریب شخصیت دیگران از طریق توهین، خجالت دادن و..

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
<u>خشونت عاطفی</u>	تحقیر کردن؛ احمق فرض کردن؛ تنها گذاشتن؛ شرمنده کردن؛ خجالت دادن؛ ضعف دیگران را به رخ آن‌ها کشیدن.	خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد	رتبه ای

حداکثر نمره‌ی خشونت عاطفی:  $6 \times 5 = 30$

حداقل نمره‌ی خشونت عاطفی:  $6 \times 1 = 6$



۳) **خشونت جنسی:** در این نوع خشونت دانش‌آموز دیگران را مجبور می‌کند، با او رابطه جنسی داشته باشند یا به زور اعمالی را انجام می‌دهد که از مشتقات روابط جنسی است.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
<u>خشونت جنسی</u>	به اجبار لخت نمودن دیگران؛ بوسیدن دیگران؛ برخلاف میل آن‌ها؛ به زور لمس کردن دیگران؛ مجبور کردن دیگران به برقراری رابطه جنسی.	کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، کاملاً مخالفم	رتبه ای

حداکثر نمره‌ی خشونت جنسی:  $4 \times 5 = 20$

حداقل نمره‌ی خشونت جنسی:  $4 \times 1 = 4$

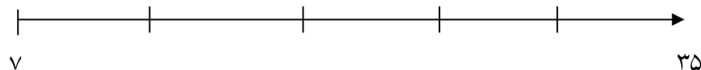


۴) **خشونت کلامی:** در این نوع خشونت فرد از طریق قوه‌ی کلامی خود به اذیت و آزار دیگران می‌پردازد و اعمالی همچون لقب زشت دادن، شایعه پراکنی و... مرتکب می‌شود.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
<u>خشونت کلامی</u>	لقب زشت دادن؛ مسخره کردن؛ شایعه‌پراکنی کردن؛ فحش و ناسزا گفتن؛ تهمت‌زدن؛ فریادزدن؛ تند و نا مناسب حرف زدن.	خیلی کم، کم تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد	رتبه‌ای

حداکثر نمره‌ی خشونت جسمی:  $7 \times 5 = 35$

حداقل نمره‌ی خشونت جسمی:  $7 \times 1 = 7$



۵) **قشر اجتماعی:** این متغیر از طریق گونه‌های شغل، درآمد و تحصیلات تعریف می‌شود. در این تعریف ابتدا از گونه‌ها تعریف عملی جداگانه به عمل می‌آید. سپس، حاصل آن‌ها نشان دهنده‌ی سطح این متغیر است.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
<u>قشر اجتماعی</u>	شغل	خانه دار؛ بیکار؛ شغل دولتی؛ شغل آزاد.	اسمی
	تحصیلات	بی سواد؛ زیر دیپلم؛ دیپلم؛ فوق دیپلم؛ فوق لیسانس و بالاتر.	رتبه‌ای
	میزان درآمد ماهانه	زیر یک میلیون تومان؛ بین ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان؛ بین یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان؛ بالاتر از ۲ میلیون تومان.	فاصله‌ای

۶) **شهرنشینی:** در این متغیر، محل زندگی دانش‌آموز بر اساس شهر یا روستا مشخص می‌شود تا تأثیر آن بر گرایش به خشونت سنجیده شود.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
<u>شهرنشینی</u>	محل زندگی	شهر روستا	اسمی

۷) ارتباط با همسالان بزهکار: همسالان از تأثیرگذارترین افراد بر دانش آموزان هستند به همین دلیل، در این متغیر، میزان رابطه‌ی دانش آموز با همسالان مشخص می‌شود. سپس، ویژگی‌های دوستان و افرادی که با او رابطه دارند، معلوم می‌شود

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
ارتباط با همسالان بزهکار	سپری کردن بیشتر وقت خود با دوستان؛ خشن بودن را قوی بودن دانستن؛ طرد من در صورت ترسو بودن؛ انجام ورزش‌های خشونت‌آمیز؛ کتک کاری را به فکر کردن ترجیح دادن؛ مزاحمت برای زنان و دختران؛ اذیت کردن افراد کوچک‌تر از خودشان؛ حمل چاقو؛ خوردن مشروبات الکلی؛ استفاده از مواد مخدر و قرص‌های روان گردان؛ استفاده از شوکر یا افشانه فلفلی در هنگام دعوا؛ سرقت اموال دیگران؛ ایجاد رعب و وحشت؛ خسارت به اموال دیگران؛ من را به کتک کاری وادار کردن؛ مزاحم آرامش دیگران شدن.	خیلی کم، کم تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد	رتبه‌ای

۸) پیوند اجتماعی با مدرسه: پیوند با مدرسه از طریق چهارگونه دل بستگی به مدرسه، تعهد به مدرسه، مشارکت در فعالیت‌های مدرسه و باور به ارزش‌ها و هنجارهای آن مشخص می‌شود.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
پیوند اجتماعی با مدرسه	دل بستگی: خوب بودن مدرسه؛ احساس امنیت در مدرسه؛ پیشرفت بچه‌ها در مدرسه؛ دعوت همکلاسی‌ها از من برای فعالیت؛ درک توسط معلم؛ رابطه خوب با معلم؛ حل مشکل توسط معلم؛ تشویق دانش آموز توسط معلم. تعهد: سخت‌کوشی در انجام تکالیف؛ اهمیت به نوع نمره؛ عمل به وظایف در مدرسه. مشغولیت (مشارکت): فعالیت در گروه‌ها؛ مسئولیت‌پذیری؛ فعالیت ورزشی؛ شرکت در مراسم‌ها. باور: رعایت قوانین؛ عمل به انتظارات مدرسه؛ تشویق به خاطر قانون‌مداری.	خیلی کم، کم تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد	رتبه‌ای

۹) برچسب خشونت خوردن: در این متغیر، تأثیر تصور دیگران در مورد خشن بودن دانش آموزان، بر میزان گرایش بیشتر آن‌ها به خشونت مورد سنجش قرار می‌گیرد.

مفهوم	معرف	مقوله	سطح سنجش
برچسب خشونت خوردن	پرخاشگر بودن از دیدگاه خانواده؛ عصبی و خشن بودن به عقیده دوستان؛ حساب بردن از دانش آموز برای دعوا؛ اخمو و خشن بودن از نگاه اهالی محل؛ بی اعصاب بودن از نگاه دوستان؛ به بی‌انضباطی در مدرسه معروف بودن؛ دعوا کردن بخاطر تحریک دیگران؛ اثر گذاری صحبت‌های دوستان بر فرد.	خیلی کم، کم تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد	رتبه‌ای

روش تحقیق: پژوهش حاضر به صورت پیمایشی و بر اساس طرح مقطعی به اجرا درآمده است. جامعه‌ی آماری: با توجه به انجام این پژوهش در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار؛ آمارهای مربوط به این دانش‌آموزان تهیه شد. بر اساس این آمار در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ تعداد ۴۶۰ دانش‌آموز پسر و دختر در سه پایه‌ی اول، دوم، سوم و مقطع پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل هستند.

جدول شماره (۲): جامعه‌ی آماری تحقیق بر حسب جنسیت و پایه‌ی تحصیلی

پایه	جنسیت	دختر	پسر
اول		۶۵	۷۷
دوم		۷۷	۵۲
سوم		۶۲	۷۲
پیش		۳۶	۱۹
جمع		۲۴۰	۲۲۰
جمع کل		۴۶۰	

**حجم نمونه:** در این تحقیق میزان حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران (فرمول زیر) محاسبه شده است که بعد از قرار دادن تعداد جامعه‌ی آماری در این فرمول نمونه‌ای با حجم ۲۱۰ نفر به دست آمد. این حجم از نمونه با آنچه در جدول مورگان ذکر شده، نیز مطابقت دارد.

$$n = \frac{z^2 pq}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

N: جامعه‌ی آماری؛ n: حجم نمونه؛ d: دقت احتمالی مطلوب؛ t: ضریب اطمینان؛ p و q: نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین.

**شیوه‌ی نمونه‌گیری:** شیوه‌ی نمونه‌گیری این پژوهش به روش تصادفی طبقه‌ای است. ابتدا کل جامعه‌ی آماری که تعداد ۲۱۰ دانش‌آموز است، بر حسب جنسیت در دو طبقه قرار گرفته؛ سپس، از هر طبقه بر اساس پایه‌ی تحصیلی و محل زندگی نمونه‌ای به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده که متناسب با طبقه‌ی دیگر است. در این روش دو جنس به مانند دو طبقه در نظر گرفته شده‌اند و از هر طبقه نمونه‌ای تصادفی متناسب با طبقه دیگر انتخاب شده است. از سویی، یکی از اهداف پژوهش بررسی و مقایسه میزان گرایش به خشونت در بین دختران و پسران، و نیز بین پایه‌های تحصیلی است. بنابراین، جنسیت و پایه تحصیلی مبنای اصلی طبقه‌ها را تشکیل می‌دهد.

**ابزار گردآوری اطلاعات:** ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسش نامه است که براساس متغیرهای مندرج در فرضیه‌ها و مفاهیم به دست آمده از تعاریف آن‌ها تدوین شده و در بین دانش‌آموزان توزیع شده. تعیین اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری: پرسش‌نامه ی پژوهش قبل از اجرای اولیه در اختیار خبرگان حوزه‌ی علوم اجتماعی قرار گرفت و توسط آن‌ها روای محتوایی و صوری ابزار پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. از نظر خبرگان تمامی مؤلفه‌ها و گویه‌های مربوطه از روانی، سلیسی و درون‌مایه‌ی مناسبی برخوردار بودند و هیچ گویه‌ای حذف نشد. جهت سنجش پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که تمامی مؤلفه‌ها دارای ضریب آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷ درصد هستند. روی هم رفته پایایی کلی ابزار پژوهش ۰/۷۸ درصد برآورد شد که بیانگر پایا بودن سؤالات پرسش‌نامه است.

جدول شماره (۳): ضریب آلفای کرونباخ

شماره فرضیه	متغیر مستقل	ضریب آلفا
۱	قشر اجتماعی	-
۲	شهرنشینی	-
۲	ارتباط با همسالان بزهکار	۰/۷۱
۳	پیوند اجتماعی با مدرسه	۰/۸۴
۴	برچسب خشونت خوردن	۰/۷۹
آلفای کل پرسش نامه		۰/۷۸

**روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:** پس از گردآوری داده‌ها، به وسیله ی نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و با استفاده از نتایج به دست آمده صحت فرضیه‌های مطرح شده تأیید یا رد می‌شود. این کار با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی انجام می‌شود.

**نتایج و یافته‌های تحقیق: الف)** یافته‌های جمعیت شناختی: از بین پاسخ‌گویان ۵۷/۱۵ درصد در شهر و ۴۲/۸۵ درصد در روستا مشغول به تحصیل و زندگی هستند.



جدول شماره (۴): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سطح تحصیلات والدین

مادر		پدر		فراوانی	
درصد	فراوانی	فراوانی	درصد		
۳۰/۵۹	۶۵	۱۷/۶۱	۳۷	بیسواد	
۱۶/۱۹	۲۹/۵۲	۶۲	۳۴	ابتدایی	زیر دیپلم
۱۵/۲۳	۱۵/۲۳	۳۲	۳۲	سیکل	
۲۳/۸۰	۱۳/۳۳	۲۸	۵۰	دیپلم	دیپلم
۶/۶۶	۱۴	۱۷/۱۴	۳۶	کاردانی	
۳/۳۳	۷	۶/۱۹	۱۳	کارشناسی	
۰/۹۵	۲	۳/۸۰	۸	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۱۰۰	۲۱۰	۱۰۰	۲۱۰	کل	

یافته‌های سطح تحصیلات پدر نشان می‌دهد که ۱۷/۶۱ درصد از پدران بیسواد، ۱۶/۱۹ درصد دارای سطح تحصیلات ابتدایی، ۱۵/۲۳ درصد سیکل، ۲۳/۸ درصد دیپلم، ۱۷/۱۴ درصد کاردانی، ۶/۱۹ درصد کارشناسی و ۳/۸ درصد دیگر دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. بنابراین، بیشتر افراد مورد مطالعه دارای سطح تحصیلات دیپلم هستند. هم‌چنین، یافته‌های سطح تحصیلات مادر نشان می‌دهد که ۳۰/۹۵ درصد پاسخ‌گویان بیسواد، ۳۳/۸ درصد دارای سطح تحصیلات ابتدایی، ۱۵/۲۳ درصد سیکل، ۱۳/۳۳ درصد دیپلم، ۶/۶۶ درصد کاردانی، ۳/۳۳ درصد کارشناسی و ۰/۹۵ درصد دیگر کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. بنابراین، بیشتر افراد مورد مطالعه دارای سطح تحصیلات ابتدایی هستند.

جدول شماره (۵): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب سطح درآمد

توزیع فراوانی		سطح درآمد خانواده
درصد	فراوانی	
۴۹/۰۴	۱۰۳	کمتر از ۱ میلیون
۳۴/۷۶	۷۳	۱ تا ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار
۱۰	۲۱	۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون
۶/۱۹	۱۳	بیشتر از ۲ میلیون
۱۰۰	۲۱۰	جمع کل

بیشتر دانش آموزان اذعان داشته‌اند، خانواده آن‌ها دارای سطح درآمد کمتر از یک میلیون تومان است (۴۹/۰۴ درصد). ۳۴/۷۶ درصد دارای سطح درآمد یک تا ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار، ۱۰ درصد دارای سطح درآمد ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا دو میلیون و تنها ۶/۱۹ درصد دارای سطح درآمد بیشتر از دو میلیون بوده‌اند.

جدول شماره (۶): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب شغل والدین

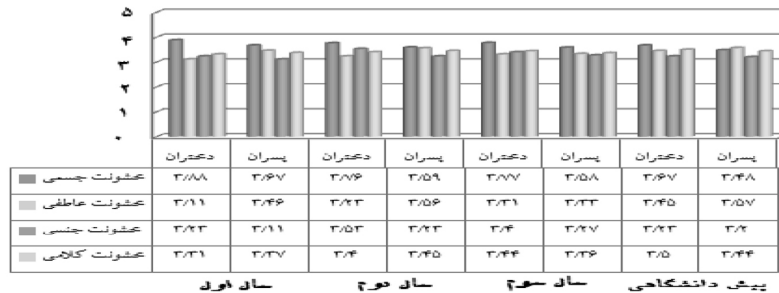
شغل پدر	توزیع فراوانی شغل پدر		توزیع فراوانی شغل مادر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بیکار	۳۵	۱۶/۱۶	۱۸۷	۸۹/۰۴
دولتی	۴۰	۱۹/۰۴	۲۳	۱۰/۹۵
آزاد	۱۳۵	۶۴/۲۸	-	-
جمع کل	۲۱۰	۱۰۰	۲۱۰	۱۰۰

در مورد متغیر شغل پدر بیشتر دانش‌آموزان اذعان داشته‌اند که پدر آن‌ها دارای شغل آزاد (۶۲/۲۸ درصد) است. هم‌چنین، ۱۹/۰۴ درصد دانش‌آموزان شغل پدر خود را دولتی و ۱۶/۱۶ درصد دیگر شغل پدر خود را بیکار عنوان کرده‌اند. هم‌چنین، بیشتر دانش‌آموزان دارای مادر با شغل خانه دار (۸۹/۰۴ درصد) و سپس، مادر با شغل دولتی (۱۰/۹۵ درصد) بوده‌اند. هیچ‌کدام از افراد مورد دارای مادری با شغل آزاد نبوده‌اند.

ب) یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی حاصل از پرسش‌نامه‌ها به قرار زیراند:

جدول شماره (۷): میانگین خشونت بر حسب جنسیت و پایه تحصیلی

میانگین کل	میانگین خشونت پایه اول		میانگین خشونت پایه دوم		میانگین خشونت پایه سوم		میانگین خشونت پیش‌دانشگاهی		معیار	ابعاد			
	پسران	دختران	پسران	دختران	پسران	دختران	پسران	دختران					
۲/۶۸	۳/۶۷	۳/۸۸	۳/۷۶	۳/۵۹	۳/۷۷	۳/۵۸	۳/۶۷	۳/۴۸	خشونت جسمی خشونت عاطفی خشونت جنسی خشونت کلامی	خشونت جسمی			
۲/۳۷	۳/۴۶	۳/۱۱	۳/۲۳	۳/۵۶	۳/۳۱	۳/۴۵	۳/۵۷	۴۴			خشونت عاطفی		
۲/۲۸	۳/۱۱	۳/۲۳	۳/۳۵	۳/۴۲	۳/۴۰	۳/۲۷	۳/۳۰					خشونت جنسی	خشونت جنسی
۲/۴۱	۳/۳۷	۳/۳۱	۳/۴۰	۳/۴۵	۳/۴۴	۳/۳۶	۳/۵۰						
۲/۴۳	۳/۴۰	۲/۲۸	۲/۴۲	۲/۴۸	۳/۴۸	۳/۳۸	۳/۴۴						



نمودار شماره (۲): میانگین خشونت دو گروه پسر و دختر بر حسب پایه تحصیلی

یافته‌ها در مورد خشونت جسمی بر حسب پایه‌ی تحصیلی نشان می‌دهد که برای دختران سال اول خشونت جسمی دارای بیشترین میانگین است ( $x=۳/۸۸$ ). در مورد خشونت عاطفی، پسران مقطع پیش‌دانشگاهی به طور قابل ملاحظه‌ای دارای بیشترین میانگین هستند ( $x=۳/۵۷$ ). در مورد خشونت جنسی، دختران پایه‌ی سوم دارای بیشترین میانگین ( $x=۳/۲۷$ ) هستند. در مورد خشونت کلامی، دختران مقطع پیش‌دانشگاهی دارای بیشترین میانگین ( $x=۳/۵۰$ ) هستند. در مجموع، میانگین کل خشونت برای پسران پایه‌ی اول و دوم بیشتر از دختران، و میانگین کل خشونت دختران پایه‌ی سوم و پیش‌دانشگاهی بیشتر از پسران است. در مجموع دختران بیشتر از پسران گرایش به خشونت داشته‌اند. آمار توصیفی مربوط به متغیر وابسته و ابعاد آن نشان می‌دهد که خشونت جسمی ( $x=۳/۶۸$ ) و خشونت کلامی ( $x=۳/۴۱$ ) دارای بیشترین میانگین بوده و میزان این دو بالاتر از حد متوسط است، هم‌چنین، کمترین میانگین مربوط به خشونت جنسی است ( $x=۳/۲۸$ ) که مقدار آن نیز بیشتر از حد متوسط است. بر این اساس، میانگین تمامی ابعاد خشونت بالاتر از حد متوسط و میانگین نمره کل گرایش به خشونت هم بالاتر از حد متوسط است ( $x=۳/۴۳$ ). لازم به ذکر است نمره‌ی کل خشونت از طریق برنامه SPSS محاسبه شد و در این نرم افزار نمره کل خشونت با استفاده از متوسط مجموع نمرات ابعاد خشونت به دست آمد

#### آزمون فرضیه‌ها:

فرضیه‌ی نخست: بین شهرنشینی و میزان خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.  
از آنجا که متغیر مستقل اسمی دو شقی و متغیر وابسته پیوسته است، از ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای استفاده می‌شود. یافته‌ها به شرح زیر است:

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

جدول شماره (۵): نتایج ضریب همبستگی در مورد رابطه شهرنشینی و گرایش به خشونت

گرایش به خشونت		
۰/۴۳*	r	
۰/۰۰۰	Sig	شهرنشینی
۲۱۰	N	

نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که چون مقدار ( $r=0/43$ ) در سطح معناداری ( $\alpha = 0/05$ ) معنادار است، پس فرض صفر رد، و فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. بنابراین، بین شهرنشینی و گرایش به خشونت رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ این رابطه به صورت مثبت و مستقیم است.

فرضیه‌ی دوم: بین ارتباط با همسالان بزهکار و گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نحوه‌ی سنجش این مفروضه به صورت جمع‌آوری داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و استفاده از ضریب همبستگی میان متغیر ارتباط با همسالان بزهکار و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان است.

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_0: \rho \neq 0$$

جدول شماره (۶): نتایج ضریب همبستگی در مورد رابطه ارتباط با همسالان بزهکار و گرایش به خشونت

گرایش به خشونت		
۰/۶۷*	r	
۰/۰۰۰	Sig	ارتباط با همسالان بزهکار
۲۱۰	N	

نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که چون مقدار ( $r=0/67$ ) در سطح معناداری ( $\alpha = 0/05$ ) معنادار است. از این رو، فرض صفر رد، و فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. بنابراین، بین ارتباط با همسالان بزهکار و گرایش به خشونت رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه به صورت مثبت و مستقیم است.

**فرضیه سوم:** بین قشر اجتماعی و میزان خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی دو متغیر فوق از ضریب همبستگی استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیراند:

جدول شماره (۷): همبستگی بین قشر اجتماعی و میزان خشونت

نتیجه آزمون	نوع همبستگی	گرایش به خشونت		متغیر ملاک متغیر پیش‌بین
		سطح معناداری	ضریب همبستگی	
شغل پدر	فی	۰/۰۰۰	-۰/۴۴*	
شغل مادر	فی	۰/۰۲۳	-۰/۲۸*	
تحصیلات پدر	اسپیرمن	۰/۰۰۰	-۰/۴۱*	
تحصیلات مادر	اسپیرمن	۰/۰۰۰	۰/۳۷*	
میزان درآمد	پیرسون	۰/۰۰۰	-۰/۵۸*	
هزینه خانواده	پیرسون	۰/۰۳۸	-۰/۲۵*	
نمره کل وضعیت اقتصادی	پیرسون	۰/۰۰۰	-۰/۴۷*	

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \\ H_1: \rho \neq 0 \end{cases}$$

جهت بررسی قشر اجتماعی، برای هر زیربخش این متغیر، از ضرایب همبستگی استفاده شد. دلیل استفاده از ضرایب همبستگی مختلف، متفاوت بودن سطوح سنجش متغیرها است. یافته‌ها نشان می‌دهد که همبستگی بین نمره‌ی کل قشر اجتماعی و میزان خشونت منفی و به لحاظ آماری معنادار است ( $r = -0/47$ ). بر این اساس، هر چه سطح قشر اجتماعی بالاتر باشد، میزان رفتارهای خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد.

**فرضیه چهارم:** بین پیوند اجتماعی با مدرسه و میزان خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۸): نتایج ضریب همبستگی در مورد رابطه پیوند اجتماعی با مدرسه و گرایش به خشونت

گرایش به خشونت	
-۰/۲۷*	r
۰/۰۰۳	Sig
۲۱۰	N

نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که چون مقدار ( $r=0/27$ ) در سطح معناداری ( $\alpha=0/05$ ) معنادار است، از این رو، فرض صفر رد، و فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. بر این اساس، بین پیوند دانش‌آموزان با مدرسه و گرایش آن‌ها به خشونت رابطه‌ی معناداری به صورت منفی و معکوس وجود دارد.

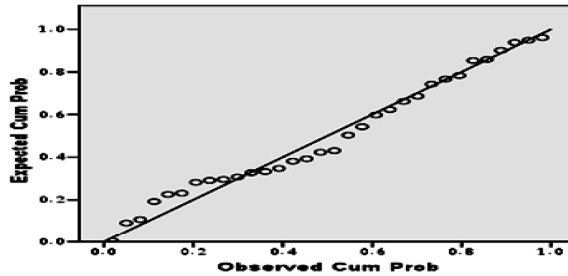
**فرضیه‌ی پنجم:** بین برچسب خشونت خوردن و میزان خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد با استفاده از طیف لیکرت سؤالاتی مطرح شده و پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای؛ همبستگی این متغیر با میزان گرایش به خشونت محاسبه گردیده است.

جدول شماره (۹): نتایج ضریب همبستگی در مورد رابطه برچسب خشونت خوردن و گرایش به خشونت

گرایش به خشونت	
r	۰/۵۲*
Sig	۰/۰۰۰
N	۲۱۰

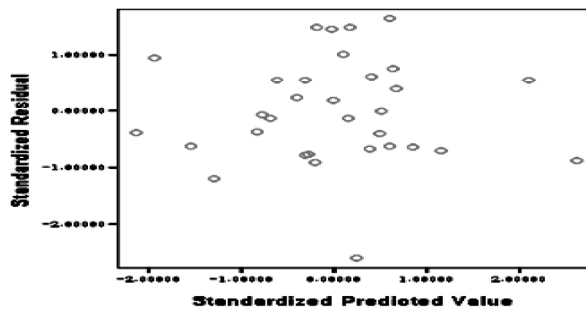
یافته‌ها نشان می‌دهد که بین دو متغیر برچسب خشونت خوردن دانش‌آموزان و گرایش آنها به خشونت رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد ( $r=0/52$ ). این رابطه در سطح خطای ( $\alpha=0/05$ ) معنادار است. بنابراین، فرض صفر رد و فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. بر این اساس، بین برچسب خشونت خوردن و گرایش به خشونت رابطه‌ی معنادار و مثبت وجود دارد. اکنون لازم است سهم هر یک از متغیرهای پژوهش در تبیین میزان خشونت مشخص و مورد بررسی قرار گیرند. جهت پی بردن به این مسأله از رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. یافته‌ها به شرح زیر است:

ابتدا مفروضه‌های مدل اعم از ثبات نرمال بودن باقیمانده‌ها و ثبات واریانس مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها به شرح زیراند: ابتدا مهم‌ترین بخش صحت مدل در مورد نرمال بودن باقی مانده‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. نمودار Q-Q با عنایت به تجمع داده‌ها بر محور مورب، تأیید کننده‌ی فرض فوق است.



نمودار ۳. نمودار Q-Q برای بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها

به منظور بررسی ثابت بودن واریانس متغیر وابسته برای تمامی مقادیر متغیرهای پیش بین، نمودار مقادیر باقی مانده‌ها در مقابل مقادیر پیش‌بینی به شکل زیر ترسیم می‌گردد:



متناسب، نگرانی خاصی در مورد ثبات نداشتن واریانس متغیر مستقل وجود ندارد. در ادامه‌ی بررسی استقلال تمامی مشاهدات نیز با استفاده از آزمون دوربین - واتسن بر روی باقی مانده‌ها انجام گرفت که مقدار بسیار نزدیک به دو برای آن (مطابق جدول شماره ۷) نشانگر نبود همبستگی بین داده‌های متوالی است. بنابراین، در مدل تشکیل شده، آماره دوربین - واتسون در وضعیت مناسب قرار دارد. همچنین، تحلیل واریانس رگرسیون که نشان دهنده‌ی استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر ۶۳/۲۱۷ است. همچنین، عدم هم‌خطی چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس و تولرانس پایین‌تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب است) بوده‌اند. بنابراین، هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد.

جدول شماره (۱۰): آزمون رگرسیون چندگانه

DW	F	R <sup>2</sup>	R	Tol	VIF	sig	t	β	B	متغیرهای پیش بین
۱/۷۳	۲۱۷/۶۳	۰/۲۰	۰/۴۵	۰/۷۸۵	۱/۲۷	۰/۰۰۰	۹/۲۷	-	۰/۸۷۸	مقدار ناپت
				۰/۷۷۶	۱/۴۴	۰/۰۰۲	۶/۱۵	۰/۱۹	۰/۱۷	قشر اجتماعی
				۰/۷۷۳	۱/۸۷	۰/۰۰۰	۵/۳۷	۰/۱۷	۰/۱۳	شهرنشینی
				۰/۸۴۶	۲/۲۵	۰/۰۰۰	۲۰/۲۲	۰/۴۲	۰/۴۳	رابطه با همسالان بزهکار
				۰/۸۹۲	۴/۱۲	۰/۰۳۲	۳/۹۶	۰/۱۲	۰/۱۱	پیوند اجتماعی یا مدرسه
				۰/۹۲۵	۲/۵۶	۰/۰۰۰	۷/۷۳	۰/۲۵	۰/۱۹	برچسب خشونت خوردن

DW: Durbin-Watson, Tol: Tolerance, VIF: Variance inflation factor

در این مدل میزان گرایش دانش آموزان به خشونت تبیین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های مدل دارای مقادیر t بیشتر از ۲ و مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ هستند. بنابراین، این متغیرها پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان گرایش به خشونت هستند. در این مدل قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده، متغیر ارتباط با همسالان بزهکار است که مقدار تأثیر آن برابر ۰/۴۲ است ( $\beta = 0.42$ ). لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با گرایش به خشونت نسبتاً قوی ( $R = 0.45$ ) است. همچنین، پنج متغیر معنادار (متغیرهای مستقل) توانسته‌اند، به میزان ۰/۲۰ تغییرات متغیر گرایش به خشونت (متغیر وابسته) را تبیین معنادار کنند ( $R^2 = 0.20$ ). در این پژوهش برخی از متغیرهای (شهرنشینی) دارای ماهیت دوشقی هستند. از آن‌جا که می‌توان با متغیر دوشقی به مثابه‌ی متغیر فاصله‌ای عمل کرد؛ کاربرد تحلیل رگرسیونی کاملاً مشروع و مجاز است (دواس، ۱۳۷۶: ۲۱۸). در مجموع، می‌توان تناسب داده‌ها را برای اجرای مدل رگرسیونی مناسب و نتایج به دست آمده را معتبر دانست. همچنین، متغیرهای پیش بین به عنوان متغیرهای توجیه‌کننده گرایش به خشونت معرفی می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌ها، نتایج و آن‌چه ماحصل این پژوهش به حساب می‌آید، در ادامه فرایند اثبات وجود مسأله‌ی بودن پدیده‌ی خشونت در بین دانش‌آموزان بخش چوار، تبیین نظری آن، گردآوری داده و سپس، سنجش درستی فرض‌های پنج‌گانه با استفاده از آزمون‌ها و تکنیک‌های خاص آماری بوده است. بر اساس این آزمون‌ها درستی همه‌ی فرضیه‌ها به اثبات رسید و گرایش به خشونت دانش آموزان به همان عوامل اجتماعی نسبت داده می‌شوند که ابتدا در قالب فرضیه و به صورت احتمالی مطرح شدند. دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار به میزان ۳/۴۳ درصد گرایش به خشونت دارند که در ابعاد چهارگانه‌ی خشونت مشهود بوده است. این پدیده‌ی اجتماعی به علت عوامل مطروحه در نتایج فرضیه‌های زیر اتفاق افتاده است.





**فرضیه‌ی شماره (۱):** این فرضیه مدعی است بین شهرنشینی و میزان گرایش به خشونت دانش آموزان رابطه وجود دارد. در مورد تأثیر متغیر شهرنشینی بر گرایش به خشونت دانش‌آموزان یافته‌ها نشان داد که این متغیر با متغیر مستقل تحقیق رابطه‌ی معنادار و مستقیم دارد و فرض تحقیق با درجه‌ی اطمینان بالایی تأیید گردید.

نظریه‌ی پشتیبان این فرضیه، نظریه‌ی آنومی دورکیم است. نقطه نظر دورکیم در گرو تمایز قائل شدن میان دو نوع جامعه است؛ جوامع مکانیکی و ارگانیکی. مکانیکی ناشی از همانندی و انسجام در فعالیت‌های انسانی است و ارگانیکی مبتنی بر توسعه‌ی فردیت و تکثر آن است که سهم وجدان فردی نیز کاهش می‌یابد. در این نوع همبستگی تمایز اجزا بیشتر است و این تمایز منجر به وابستگی اجزا به هم برای ادامه حیات می‌شود. در جوامع با انسجام ارگانیکی رشد سریع اقتصادی بدون رشد تنظیم‌کننده‌های آن رخ می‌دهد و نیروی توسعه‌ی اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی چندان کارایی ندارد و تنظیم‌کننده‌های اخلاقی و هنجارهای متناسب را برای نظارت جامعه بر فرد می‌طلبد که بتواند متصدیان نقش‌ها، حقوق و وظایف آن‌ها را مشخص کند. در ادامه‌ی چنین وضعیتی، شهرنشینی به مثابه‌ی یک عامل گرایش‌های انحرافی را بیدار نموده و سبب اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز و بزهکارانه می‌شود.

امروز نیاز به آموزش و پرورش به صورت نیازی بسیار مهم فراگیر ضروری می‌نماید. به همین دلیل، برخلاف گذشته که حتی در نواحی شهری، آموزش عمومی دیده نمی‌شد، اکنون در دور افتاده‌ترین روستاها آموزش و پرورش عرصه گسترانیده است، و به موازات تفاوت در محل عرضه‌ی دانش و تربیت افراد و همچنین، امکانات و شرایط زندگی تفاوت‌هایی هم در شیوه‌ی عرضه‌ی آن دیده می‌شود که تأثیرهایی را به دنبال دارد. در جامعه‌ی آماری پژوهش (بخش چوار) زندگی در شهر به شیوه‌ی خاص خود اداره می‌شود؛ هم چنین، نقش‌ها و سبک تعاملات به گونه‌ای متفاوت از روستاهای این بخش جریان دارد که می‌تواند ناشی از تقسیم کار باشد؛ زیرا در بین افراد شهرنشین، امور، نقش‌ها، منابع و امکانات به طور یکسان توزیع نشده است. به همین دلیل، از یک‌سو، افراد برای احقاق حق خود وادار به تکاپو می‌شوند و به اعمال انحرافی برای پیشبرد اهداف خود متوسل می‌شوند؛ از سوی دیگر، کنترل‌کننده‌ها کارآمدی لازم را ندارند؛ اما در زندگی روستایی همسانی و عدم توزیع نامتناسب نقش‌ها، می‌تواند از انحرافات جلوگیری به عمل آورده، و تنش‌های محیط زندگی شهری را به همراه ندارد.

همسو با یافته‌های لینچ (۲۰۰۸) می‌توان اذعان داشت که پدیده‌ی اجتماعی خشونت در بین دانش آموزان شهری، محسوس‌تر بوده و ابعاد آن نمود بیشتری دارند. به این موضوع اشاره می‌کند که زندگی شهری بر تمایلات انحرافی و دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز تأثیر مستقیم می‌گذارد

**فرضیه‌ی شماره (۲):** در این فرضیه آمده است؛ بین قشر اجتماعی و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. در زمینه‌ی تأثیر مستقیم قشر اجتماعی بر گرایش به خشونت، نتایج نشان می‌دهند، که قشر اجتماعی با گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه‌ی معنادار، مستقیم، البته، معکوس دارد؛ چرا که در صورت بالا بودن سطح قشر اجتماعی، گرایش به خشونت پایین است و در صورت پایین بودن قشر اجتماعی؛ گرایش به خشونت فرزندان‌شان بالا می‌رود.

نظریه‌ی تأییدکننده این فرض ناکامی منزلتی کوهن است که مدعی است طبقات فرودست جامعه با افرادی روبه‌رو می‌شوند که جایگاه اجتماعی بالایی دارند. به همین دلیل، خواهان منزلت‌های اجتماعی و اهداف مشروعی می‌شوند و هنگامی که از ارضای نیازهای خود باز می‌مانند؛ ناکام می‌شوند و برای جبران این ناکامی به خرده فرهنگ‌های بزهکار روی می‌آورند.

در بین دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار افرادی هستند که کمی درآمد والدین، بالا بودن هزینه‌های زندگی، بیسوادی والدین، فقر و عدم دسترسی به منابع زندگی را فرا روی خود می‌بینند. این گروه از افراد منزلت اجتماعی پایینی دارند و شیوه‌ی مخصوص به خود را برای جبران کمبود منابع زندگی و ملزومات رفاهی پیش می‌گیرند و در این راه گرایش به اعمال انحرافی و خشونت هم اجتناب‌ناپذیر است. سهامی و احمدی (۷۸) در تحقیقی، منزلت شغلی پدر و تحصیلات مادر را دارای ارتباط قوی با رفتار خرابکارانه دانسته‌اند. هم‌راستا با یافته‌های این پژوهش احمدی و ایمانی (۸۳) ادعان داشته‌اند که بین مؤلفه‌های فرهنگ فقر و حاشیه‌نشینی با گرایش به رفتارهای بزهکارانه رابطه وجود داشته؛ چرا که باعث سرشکستگی و میل به انزوا می‌شود و رفتارهای انحرافی را به دنبال دارد. علمی و دیگران (۸۷) در زیر مجموعه‌ی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و قشر اجتماعی را بر گرایش به رفتارهای خشونت‌آمیز مستقیم و معنادار دانسته‌اند. تحقیق احمدی و دیگران (۸۶) و توسلی و فاضل نیز تأییدکننده و مبین همین امر است.

**فرضیه‌ی شماره (۳):** این فرضیه مدعی است؛ بین ارتباط با همسالان بزهکار و میزان گرایش به خشونت رابطه وجود دارد. در مورد تأثیر داشتن یا نداشتن دوست بزهکار بر گرایش به خشونت؛ یافته‌ها حاکی هستند، که میزان رابطه با همسالان بزهکار بر گرایش به خشونت دانش‌آموزان تأثیر مستقیم می‌گذارد و این دو متغیر با هم رابطه‌ی معنادار دارند.

نظریه‌ی تبیین‌کننده‌ی این فرض نشان می‌دهد که تعدد تعامل فرد با افراد بزهکار منجر به بزهکار شدن او نیز می‌شود. ساترلند در نظریه‌ی پیوند افتراقی بر این نکته تأکید می‌کند که برخورد با افراد دارای گرایش‌های انحرافی در به انحراف کشاندن فرد مؤثر است. از آن‌جا که دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار در سنینی هستند که بیشتر وقت خود را با همسالان خود سپری می‌کنند؛ بیشترین تأثیر را هم از آنان می‌گیرند و به دنبال تعامل با همسالان کج‌رفتار اثر افتراق صورت گرفته و خود نیز به کج‌رفتاری روی می‌آورند؛ چیزی که در این پژوهش هم به اثبات رسیده است.

یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی تأیید این فرض با یافته‌های تحقیق علمی و دیگران (۸۷) در زمینه‌ی میزان رابطه با همسالان بزهکار همسویی داشته و این تحقیق هم تأثیر رابطه با همسالان بزهکار و گرایش به خشونت دانش‌آموزان را به اثبات رسانده است. هم‌چنین، نتایج حاصل از تحقیق فاجز (۲۰۰۸) تأثیر محیط‌های مستعد خشونت که رفتارهای انحرافی در آن‌ها رواج دارد را بر شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز به اثبات رسانیده است و یافته‌های زارعی (۸۳) نشان از همین مطلب دارد.

**فرضیه‌ی شماره (۴):** در این فرضیه آمده است بین پیوند اجتماعی با مدرسه و میزان گرایش به خشونت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. با تأمل در نتایج و در مورد پیوند اجتماعی دانش‌آموزان با مدرسه و گرایش به خشونت می‌توان گفت: پیوند اجتماعی با مدرسه در میزان گرایش به خشونت تأثیر دارد؛ بین این دو متغیر رابطه‌ی معنادار وجود داشته و به صورت معکوس عمل می‌کنند. این فرضیه نشأت گرفته از نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی است که اذعان می‌دارد هر چه پیوند اجتماعی با افراد و نهادها بیشتر باشد، پیوند با جامعه محکم می‌شود و احتمال گرایش به خشونت و دیگر رفتارهای ناهمنواگرایانه ضعیف می‌شود. نتایج و یافته‌های حاصل از آزمون این فرضیه نشان دهنده‌ی تأیید و درستی آن در همسویی با نظریه پشتیبان خود است.

مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی دارای برنامه‌های تربیتی و آموزشی برای رشد و ارتقای سطح علمی و فرهنگی دانش‌آموزان است این نهاد در سطح بخش چوار؛ دارای برنامه‌هایی برای جذب و نگه‌داشتن دانش‌آموزان دبیرستانی است که هر چه دانش‌آموزان با این برنامه‌ها و اهداف درگیر شوند؛ گرایش به رفتارهای خشونت‌آمیز و انحرافی در او کم شده و هر اندازه پیوند اجتماعی فرد با مدرسه رو به سستی نهد به همان اندازه فرصت برای شکل‌گیری گرایش‌های ناپه‌نچار در فرد به وجود می‌آید.

به موازات این فرضیه و نتایج آن، تحقیق سهامی و احمدی (۷۸) به اهم بودن نقش پیوند با مدرسه در گرایش یا عدم گرایش به خشونت اشاره کرده است. تاچل (۲۰۰۱) بی‌زاری از مدرسه را به معنای عدم پیوند اجتماعی با آن دانسته که دانش‌آموز را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد. هم‌چنین، زارعی (۸۳) بی‌عدالتی در مدرسه و تنبیه دانش‌آموزان را ضعیف‌کننده‌ی پیوند بین دانش‌آموز و مدرسه می‌داند که منجر به گرایش دانش‌آموز به اعمال بزهکارانه می‌شود.

**فرضیه‌ی شماره (۵):** این فرضیه عنوان می‌کند بین برچسب خشونت خوردن و میزان گرایش به خشونت رابطه وجود دارد. در مورد داشتن یا نداشتن برچسب خشونت و گرایش پیدا کردن به آن نتایج نشان از تأیید فرضیه دارند و این دو متغیر با هم رابطه‌ی مثبت و معنادار دارند. برچسب خشونت زدن به یک دانش‌آموز سرمنشأ بروز خشونت‌های بعدی از طرف همان دانش‌آموز می‌شود.

نظریه‌ی پشتیبان این فرض، برجسب‌زنی هوارد بکر است که برجسب‌زنی را عاملی قدرتمند در شکل‌گیری هویت کج‌روانه و منحرف می‌داند، نتایج این پژوهش نیز گواه این امر است؛ چرا که اطلاق برجسب به یک فرد او را وادار به اجرای هر چه بیشتر آن نوع از رفتار می‌شود. دانش‌آموزان از جمله افرادی هستند که می‌توانند بر اساس اظهار نظر دیگران به هر سمت و سویی بروند، از جمله این موارد دادن برجسبی به آن‌ها است که سبب تکرار رفتار اولیه آن‌ها می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر برجسب زدن به دانش‌آموزان دبیرستانی بخش چوار که مرتکب خشونت در اقسام آن می‌شوند؛ عاملی بر ارتکاب دوباره آن می‌شود، در این زمینه یافته‌های تحقیقی محسنی تبریزی (۸۳)، صدیق سروستانی (۸۹)، و رایینگتن و واینبرگ (۹۰) نیز مؤید و همسو با نتایج این پژوهش است.

#### پیشنهاد‌های علمی

الف) در راستای بررسی ریزبینانه و دقیق بر روی هر کدام از ابعاد خشونت (جسمی، عاطفی، جنسی و کلامی) بیشتر تمرکز شود و هر کدام به صورت مجزا مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند.  
 ب) رابطه‌ی گرایش به خشونت و جنسیت به صورت اختصاصی مورد کند و کاو قرار گیرد.  
 ج) به دلیل اهمیت مدرسه تحقیقی صورت گیرد که نقش مدرسه و عوامل مربوط به آن را در ایجاد و یا مهار خشونت دانش‌آموزی عمیق‌تر مورد بررسی قرار دهد.  
 د) به علت گستردگی دامنه‌ی برخی از متغیرهای پژوهش پیشنهاد می‌شود به صورت تک عاملی مورد بررسی قرار گیرند.  
 ه) اهمیت موضوع ایجاب می‌کند که تحقیق‌هایی به صورت کیفی این مسأله‌ی اجتماعی را بررسی کنند.  
 و) برای بررسی وسیع‌تر موضوع پژوهش پیشنهاد می‌شود فرض‌های این پژوهش و علل و عوامل آن در مناطق و شهرستان‌های دیگر به تحقیق گذاشته شوند.

#### پیشنهاد‌های کاربردی

نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش به صورت کاربردی در نهادها و ارگان‌های آموزشی و تربیتی، واحدهای آموزشی ادارات همچون استانداری و بخش‌داری، کانون‌های اصلاح و تربیت، آموزش و پرورش، کانون‌های پرورش فکری، موسسات و انجمن‌های علمی و فرهنگی ... می‌توانند منشأ اثر باشند.

## منابع و مآخذ

## الف) منابع فارسی

- احمدی، حبیب، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- بازرگان، زهرا، (۱۳۷۹)، میانجی‌گری در مدرسه، تهران: انتشارات مدرسه.
- بازرگان، زهرا و دیگران، (۱۳۸۲)، بررسی وضعیت خشونت در مدارس راهنمایی شهر تهران، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره یک: ۱-۲۸.
- بودون، ریمون، و فرانسوا بوریکو، (۱۳۸۵)، فرهنگ جامعه‌شناسی اعتقادی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- بیرو، آلن، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- چلبی، مسعود، و صمد رسول زاده اقدم، (۱۳۸۱)، آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان. مجله جامعه‌شناسی ایران. شماره دو: ۵۴-۲۶.
- دواس، دی.ای.د، (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- رابینگتن، ارل، و واینبرگ، مارتین، (۱۳۹۰)، رویکرد نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه‌ی رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ژیرو، کلود، (۱۳۸۴)، تاریخ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی گیتی خرسند، تهران: نگاه معاصر.
- ساروخانی، باقر، و داوود صفایی، (۱۳۸۴)، خشونت در مطبوعات ایران و آثار آن بر مخاطبان، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان، شماره سوم: ۸۷-۱۲۲.
- شارع پور، محمود، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- صافی، احمد، (۱۳۸۴)، سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، تهران: انتشارات سمت.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران، (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
- علمی، محمود و دیگران، (۱۳۸۷)، تعیین میزان خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، دومین همایش جامعه‌ایمن شهر تهران.
- کرایب، یان، (۱۳۸۹)، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، تهران: آگاه.
- کوئن، بروس، (۱۳۹۰)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- کوزر، لوئیس، (۱۳۷۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، (۱۹۷۱).
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نبوی، عبدالحسین و دیگران، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایذه، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۳: ۸۳-۱۰۰.



## The Study of Social Factors Affecting Tendency to Violence

(Case study: high school students of Chavar District)

Mohammad Hossein Assadi<sup>1</sup>

Omid Ali Ahmadi<sup>2</sup>

Nader Bazyar<sup>3</sup>

### Abstract

This article aims at studying social factors affecting high school students to turn to violence in Chavar District in the schooling year of 2012-2013. The research method is descriptive and of survey type. The statistical population included all high school students of Chavar District who were 460 in number. Using stratified random sampling and Kkran, the researchers selected 210 students who were studied as the sample. In order to collect data, a researcher-made questionnaire was used whose validity was scrutinized by experts and its stability was tested by  $\alpha$ -Cronbach ( $\alpha=0.78$ ). The research hypotheses were analyzed by the statistical methods of Pearson correlation coefficient, Spearman, point biserial, and multiple regression testing. The findings of the study showed that existence of different types of violence with total amount of 3.43 percent is approved. Moreover, there was a significant and direct relationship between violence and variables like social stratum, urbanization, and contact with criminal peers, being stigmatized as violent and social communication in schools.

**Key words:** violence, physical violence, sexual violence, verbal violence, emotional violence, social factors

<sup>1</sup> Assistant professor of Islamic Azad University- Ashtiyani branch

<sup>2</sup> Assistant professor of Islamic Azad University- Ashtiyani branch

<sup>3</sup> M.A. of Sociology and Corresponding Author